

عنوان: امام خمینی و احیای تفکر دینی از نگاه خاورشناسان

پدیدآورنده: هدی، محمدحسین

نشریه: اسلام و غرب،: 30 و 31

ماهنامه اسلام و غرب - شماره 30 و 31، بهمن و اسفند 78

امام خمینی و احیای تفکر دینی از نگاه خاور شناسان

دکتر میر محمد حسین هدی

تهدید: ((تفکر دینی)) نوعی اندیشه است که در آن

متغیرهای اندیشه و عمل انسان به صورت تابعه‌ایی از

ثابتهای دینی عمل می‌کنند.

((ثابتهای دینی)) حقایق جاودانی هستند که در خارج

از ذهن انسانی، چنان که وحی شده‌اند، وجود دارند.

این ثابتهای هرگز نابود یا دستخوش کاهش و افزایش

نمی‌شوند. اما این ذهن و اندیشه انسان است که در

چگونگی و میزان دریافت، جذب و عمل به آنها، شدت

یا ضعف، نشان می‌دهد که در عرف جامعه شناسی

دینی، ولو به غلط، در صورت شدت و قدرت تفکر

دینی از ((زنده بودن دین)) و در وضعیت عکس آن، از

((نابودی و پایان حیات دین)) سخن به میان می‌آید.

تفکر دینی که الزاما در جهت مخالف اندیشه‌های

غیر دینی قرار می‌گیرد، در حیات کلیه ادیان فراز و

نشیبهای متنوع و تبعات آنها را تجربه کرده است. در

عصر ما که سرعت تحولات و آثار سو مدنیت با شتاب

مادی و به بن بست رسیدن تفکرات غیر دینی مولود

آن، بشریت را در وادی دستیابی به بهزیستی و

رستگاری واقعی سرگردان ساخته است، روند بازگشت

بسوی تفکر دینی به عنوان راه اصلی نجات در سر تا

سر جهان آهنگ روبه رشدی یافته است.

احیای تفکر دینی

با آنچه گفته شد، ((احیای تفکر دینی)) نیز در واقع

به چرخش درآوردن منظومه فکری و عملی انسان در مدار ثابتهای دینی است. این

پدیده که طی 20 سال

محققان و جامعه شناسان جهان، بویژه دنیای غرب را به خود معطوف کرده و موضوع صدها سمینار، کنگره، کنفرانس، میزگرد، کتاب و هزاران مقاله و گزارش تحقیقی در مجامع علمی و رسانه‌های جمعی شده است، یک احیاگر بزرگ و نستوه به نام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) و یک جغرافیای آغاز به نام ایران اسلامی و انقلابی دارد. (1)

موضوع اصلی این نوشتار، صرفاً ((گشودن باب تمهیدی برای تبیین این نقش بلا منازع، قاطع و روشن حضرت امام خمینی (ره) و اثری گذاری عمیق و گسترده انقلاب اسلامی بر روند شتابان و فراگیر تفکر دینی در جغرافیای اسلامی و سایر نقاط جهان است که گواه ما در این تلاش، اعترافات صریح یا مستتر و ضمنی برخی از خاورشناسان، جامعه شناسان، نویسندگان، رهبران دینی و آمار و حقایق منتشره در این زمینه می‌باشد. از آن جمله پروفسور دکتر راینهاردلو، مدیر انستیتوی پژوهشهای فلسفی درها نوور آلمان (2) در کتابی که خلاصه مباحث 30 تن از متخصصان اسلامی، علمای الهیات مسیحی و

فیلسوفان را در سمینار ((اسلام و مسیحیت در اروپا))

(1992) منتشر کرده است، اعتراف می‌کند که ((نقش اسلام در بیست سال اخیر قرن ما یک جهش و پیشرفت مهم و در عین حال شگفت‌آفرین پیدا کرده است)). وی سپس از اثرگذاری احیای تفکر دینی برخاسته از انقلاب اسلامی در شرق و غرب جهان و حتی بر ((تمدن غربی)) سخن می‌گوید و به مسیحیان توصیه می‌کند که اسلام را بهتر بشناسند و با

مسلمانان باب گفت و گو را بگشایند.

وضعیت کنونی تفکر دینی منحنی روند افزایش و گسترش تفکر دینی طی تقریباً دو دهه گذشته در جهان اسلام و سایر مناطق گیتی، یک سیر صعودی با شتاب را نشان می‌دهد. موسسات پژوهشی و آمارگیران غربی درباره جهان اسلام و مسلمانان مقیم خارج جهان اسلام متفق‌القولند که طی 18 سال گذشته:

الف - در جهان اسلام

- خود آگاهی اسلامی و تفکر اسلامی، بویژه در میان جوانان، به شدت افزایش یافته است.
- مسلمانان در بکارگیری معیارهای اسلامی و پایبندی به ارزشهای اعتقادی جدی‌تر شده‌اند.
- جنبشها و نهضت‌های اسلامی مبارز اسلام‌گرا در داخل و خارج جهان اسلام به طور مستمر بر تعداد خود افزایش یافته‌اند.
- بازگشت نیرومند و گسترده مسلمانان به آموزش قرآن و احکام اسلامی بسیار مشخص‌تر شده است. (3)
- اسلام برای مسلمانان بسیاری از مناطق جهان، بویژه در اروپای شرقی، به عنصر اصلی هویت ملی و اعتقادی تبدیل شده است. (4)
- کاهش شدید نفوذ ایدئولوژیک و تفکرات غیر دینی در جوامع اسلامی روند تکاملی خود را آغاز کرده است.
- گرایش پیروان سایر ادیان و ایدئولوژیها به اسلام در سطح جهانی رو به رشد می‌باشد. مثلاً (به عنوان نمونه) ژان لین کابل (5)، یکی از سرشناسترین تحلیل‌گرایان فرانسه، اعتراف توأم با هشدار کرده است

که هر سال در فرانسه 50/000 (پنجاه هزار نفر) به آئین اسلام گرایش می‌یابند.

- افزایش تعداد کشورهای مستقل اسلامی از 46 کشور در سال 1979 به 56 کشور در سال 1997 که یکی

سوم کل اعضای سازمان ملل، بیش از 25 درصد مناطق مسکونی را در اختیار خود دارند و با احتساب 400 میلیون مسلمانانی که در خارج جهان اسلام بسر می‌برند، 25 درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. (6)

ب - در خارج جهان اسلام

- بازگشت به تفکر دینی و اعتقاد به وجود خالق و جهان دیگر (به چند نمودار که از پژوهشهای مطالعات ارزشها در اروپا در سال 1990 اقتباس شده است، در زیرنویس مراجعه فرمایید).

- ارزشهای دینی و اخلاقی در صدر فهرست ارزشهای حیاتی جای خود را به صورت ممتد و منظم باز می‌کند. (8)

- کاهش تفکر بی‌دینی (اته ایسم) در بسیاری از کشورهای جهان غرب و به صورت قاطع در اروپای شرقی (9) که یکی از نتایج بارز آن کساد شدن بازار تبلیغات ضد دینی و ترویج بی‌دینی در میان توده‌های عظیم مردم است.

- افزایش و تنوع جنبشهای اصولگرای دینی سازمان یافته که خطر ظهور انواع فرقه‌های شبه دینی و گمراه کننده تجارتنی را پدید آورده است.
- باور به این موضوع که ادیان در بردارنده شیوه صحیح زندگی هستند، پیوسته ولی با تامل گسترش می‌یابد.

- حرکت‌های سازمان یافته و منظم برای ایجاد

اصلاحات و گزینش راهکارهای نوین ((تجدید حیات انجیلی)) (10) در جهان مسیحیت و نیز در سایر ادیان آغاز شده است.

اینها موارد انتخابی از یک فهرست کامل رویدادهایی هستند که در بستر احیای تفکر دینی مشاهده شده‌اند. برخی از این موارد را که در میان کلیه ادیان مشابهت‌هایی با هم دارند، پروفیسور کراوس کیتسلر، نویسنده کتاب ((بنیاد گرایی دینی))، (11) به عنوان عناصر مشترک کلیه نهضت‌های نوین گرایش دینی می‌داند.

به این سوال که احیای تفکر دینی با چنین گستردگی و تنوعی، بخصوص طی 18 سال اخیر، در جوامع اسلامی و غیر اسلامی، چه نیروی محرکی با انگیزه‌های دینی می‌تواند داشته باشد، پاسخهای گوناگون ولی غیر قانع کننده داده شده است. برخی از جامعه شناسان غربی ناشیانه رویدادهایی نظیر سقوط شوروی سابق، وحدت دو آلمان، پایان جنگ سرد و وحدت اروپا را به عنوان عوامل موثر در این زمینه قلمداد کرده‌اند، اما پای استدلال آنان چوبین است؛ زیرا علل، عوامل و انگیزه‌های معنوی این رستاخیز عظیم را نمی‌توانند با ابزار پوزیتیویستی خویش مشاهده و تجربه کنند، و گرنه بوضوح مشاهده می‌کردند که این تحولات خود زا'یده بازگشت توده‌های عظیم مردم جهان به تفکر دینی بوده و بیش از اینکه علت باشند، معلول هستند. چنان که خواهیم دید، این قول را اعتراقات صریح یا ضمنی جامعه شناسان و خاورشناسان نیز به نحوی تایید می‌کنند و امام راحل ما را آغازگر کبیر این احیاگری می‌دانند.

آرای خاورشناسان در مورد نقش امام (ره)

سنخ شناسی آرای خاورشناسان در مورد ابعاد

گوناگون شخصیت متعالی حضرت امام خمینی (ره) با
مقیاسهایی که از خطوط فکری، اهداف و روشهای
کاری آنان در دست داریم، بسیار سهل و ساده است.

این آرا از سه مقوله سکوت و کتمان، اظهارات معاندانه و مجعول، اعترافات ضمنی
محتاطانه تجاوز

نمی‌کند. البته حساب معدودی از خاورشناسان آگاه که
پاییند به صداقت علمی خود هستند، از این خیل
عظیم جداست که خود آنان نیز از این کج اندیشی‌ها
در فریادند، کما اینکه پروفیسور آن ماری شیمل،
دانشمند و خاور شناسان برجسته آلمانی که بیشترین
همدلی و صداقت را با اسلام نشان داده است، فریاد
می‌زند که: ((آنچه مرا خیلی ناراحت کرده و آزار می‌دهد
این است که شخص نبی گرامی اسلام (ص) در غرب
بسیار ناشناخته است. عده کمی در اروپا هستند که
می‌دانند ایشان حلقه عشق میلیونها مسلمان است)).
(از مصاحبه شیمل با شماره 30 بهمن ماه 1375 - 18
فوریه 1997 روزنامه اطلاعات چاپ لندن)

همچنین ماکسیم رودینسون، خاور شناس نامدار
فرانسوی، در کتاب ((جاذبه‌های اسلام))، ضمن
انتقادهای تلخ از خطوط فکری و روشهای ناصواب
خاورشناسان می‌نویسد: ((... البته همیشه هدف از
تحقیقات خاورشناسان درباره اسلام این بود که با
اسلام مبارزه شود)). (12)

مطالعات اسلام شناسی در اروپا از قرون وسطی
تا امروز - یعنی از زمانی که از اسپانیا با هدف خدمت
به میسیونرهای مذهبی کاتولیک آغاز شده و تا دوران
اصحاب دایرطالمعارف و هگل و بالاخره تا دوران ما -
ادامه یافته است. در بسترهای اروپا محوری، اختلاف
شدید و اغلب ناسازگار سلیقه‌ها و روشهای تحقیقی،
فرضیه پردازیهای نادرست و بکار گیری روشهای فنی

غیر دائمی‌تر، قرار داشته است. بنابراین رشته‌های به اصطلاح علمی که در این راستا تحت عناوین ((دین‌شناسی تطبیقی)) ((تاریخ ادیان)) و ((علوم دینی)) بوجود آمده، تاکنون موفق نشده‌اند اسلام را چنانکه

هست، به اروپاییان شناسانند؛ چرا که معیارهای بررسی تفکر دینی در اسلام را عروج و نزول این تفکر

در تاریخ فکری مسیحیت قرار داده‌اند. مشکل اصلی اسلام شناسان غربی در این است که ندانسته‌اند اسلام در حالی که یک دین جامع و کامل و آخرین دین از ادیان ابـراهمی است، تمدنی است ریشه‌دار، گسترده و مستقل از سایر تمدنها. از این رو، اسلام شناسان غربی که مصداق استعاره زیبای قرآنی ((فی ظ کلل وادی یهیطمون)) (الشعرا - 225) می‌باشند، اسلام را به عنوان ((دین)) چنان که هست، مطالعه نمی‌کنند و با پیشداوریها، آلایشها و پالایشهای دلخواه خویش در جایی قرار می‌گیرند که امروز قرار دارند و به طریق اولی، از شناسایی واقعی مفهوم، تعالیم، احکام و پویایی آن عاجز می‌دانند.

با آنچه گفته شد، موضع اصلی خاورشناسان در رابطه با اسلام و بالتبع انقلاب اسلامی و بالخصوص ابعاد درخشان شخصیت حضرت امام خمینی (ره) روشن است، اما اثرگذاری ایشان بر روند احیای تفکر دینی چنان عمیق، گسترده، ریشه‌دار و واضح است که گزیری جز اعتراف ولو نیم بند و ضمنی و یا صریح ندارند. به نظر من، بدون تردید گذشت زمان گواه صادقی برای آشکار شدن حقایق اندیشه‌های امام راحل (ره) می‌باشد و جریان اعترافات را قویتر و گسترده‌تر خواهد ساخت.

امام خمینی (ره) احیاگر بزرگ تفکر اسلامی

اکثریت قاطع خاورشناسان و جامعه شناسان

غربی متفق‌القولند که حضرت امام خمینی (ره) بزرگترین احیاگر تفکر و ارزشهای اسلامی هستند و اعتراف می‌کنند، آنچه را که ((پان اسلامیت‌ها)) (13)، ((اصلاحگران)) - ،

((تجدید گرایان))، ((متجددها)) - و ((بیدارگران)) اسلامی، از قرن 19 میلادی تا زمان آغاز

نهضت امام خمینی

(ره) صرفاً به عنوان یک آرمان، ((تبلیغ)) می‌نمودند، حضرت امام خمینی (ره) در صحنه عمل پیاده فرموده، دوران جدید رنسانس اسلامی را آغاز نمودند. پروفیسور دکتر کلاوس کیتسلر، استاد کرسی اصول الهیات در دانشگاه آوگسبورگ و مولف آثاری مهم از جمله کتب ((قیامت)) (1976)، ((اسطوره و ایمان)) (1985)، ((فلسفه دین)) (1988)، ((بنیادگرایی نوین)) (1990) و کتاب ((بنیادگرایی دینی)) (1996)، در صفحه 11 کتاب ((بنیادگرایی دینی)) خود می‌نویسد: ((از سالهای دهه هفتاد، اصطلاح ((بنیادگرایی)) بر جریانهایی که احیاگر حیات اسلامی نامیده می‌شوند، اطلاق شد. در این رابطه، بیش از همه، افکار همگانی معطوف به ایران انقلابی تحت رهبری (امام) خمینی می‌شود که این نهضت پس از ایران، بسیاری از کشورهای اسلامی را در نوردید.

این رنسانس اسلامی در نهایت برای همگان و

بیش از همه، برای جهان غرب شگفت‌انگیز و

غافلگیرانه بوده، زیرا در غرب تا آن زمان تصور می‌شد

که در نتیجه تجاوزات واقعا ((بیرحمانه قدرتهای

استعماری و امپریالیستی به کشورهای اسلامی و عربی

در سده 19 میلادی، آیین اسلام دستخوش لیبرالیسم

و تعصب شده است...))

وی سپس می‌افزاید:

((مفهوم بنیادگرایی با فعال شدن نیروی سیاسی
آیین اسلام در کشور شیعی ایران (امام) خمینی،
معنی و سنخیت جدیدی یافت که مشخصه آن، سیاسی
شدن دین اسلام است. گروههایی از اهل تسنن نیز در
سودان، پاکستان و بسیاری از کشورهای اسلامی از
همین نوع بنیادگرا هستند. هدف این گونه بنیادگرایی،

استقرار یک حکومت دینی (دولت الهی) بر روی زمین است که در حال حاضر به شکل
احیای خشونت‌آمیز

نظام حقوقی سنتی اسلام یعنی شریعت اسلامی برروز
کرده و پابندی و انقیاد دقیق این سنخ بنیادگرایی به
تعالیم قرآنی که از الزامات آن است، در بسیاری از
کشورهای اسلامی منجر به طرد سرسختانه کلیه انواع
نفوذ عقلگرایانه و لیبرالی غربی شده است.

پروفسور دکتر برنارد لوئیس، سرشناسترین

خاورشناس یهودی تبار آمریکایی که آثارش تاکنون بر
23 زبان ترجمه شده است، (14) در صفحه 214 کتاب
(نفس الله، جهان اسلام و غرب: نبرد فرهنگها؟) -

می‌نویسد:

((در سالهای آغازین بر پایی جمهوری اسلامی، آیین

اسلام، اساس اعلام شده هویت و وفاداری بود. هدف
سیاست خارجی و همچنین سیاست دولت را به صورت
کلی، تجدید حیات اسلام، تثبیت مجدد قدرت و
عظمت اسلامی بوسیله توسعه دامنه انقلاب اسلامی
و احیای اعتقاد و حقوق اسلامی، تشکیل می‌داد.
آمریکا به عنوان قدرتی که شاه و مزدورانش را حمایت
و در امور داخلی ایران مداخله می‌کرد و مهمتر از آن،
رهبری دشمن قدیم، غرب را به عهده داشت، نخستین
و بزرگترین دشمن این برنامه می‌دانست.))

وی در ادامه، ضمن توضیحاتی که درباره صفت
(شیطان بزرگ) برای آمریکا که از طرف امام راحل

(ره) داده شد، می‌نویسد:

((امام) خمینی از موضع‌گیریهای دشمنانه ابر
قدرت آمریکایی نمی‌هراسید، ولی از آن چیزی که از
ناحیه آمریکا هراس داشت، گمراه‌کنندگی و فریبندگی
شیوه زندگی آمریکایی بود. خطر گمراهی غربی که در
ایران غربزدگی خوانده می‌شود، از مدتها قبل یکی از
مورد توجه‌ترین موضوعات مورد بحث نویسندگان

ایرانی شده است)). پروفیسور برنارد لوئیس در صفحه 177 همین کتاب
خود، ضمن مقایسه موفقیت‌های جنبش‌های نوین نهضت
احیای تفکر دینی در کشورهای اسلامی می‌نویسد:
((افراطیون مصری صرفاً موفق شدند حاکم خود را
نابود کنند، اما رژیم مصر نجات یافت و سیاست
خویش را ادامه می‌دهد، اما افراطیون ایرانی
موفقیت بیشتر را از آن خود کردند، رژیم را نابود
ساختند و در کشور خود چنان انقلاب فراگیری را به
پیروزی رساندند که شهرت آن سر تا سر جهان اسلام
را فرا گرفت)).

هیات محققان و نویسندگان انجمن تحقیقاتی
خدمات ارتشی وزارت دفاع ملی ات‌ریش در کتابی با
عنوان ((نیروهای ارتشی در کشورهای خاور نزدیک و
شمال آفریقا)) در سال 1995 (15) در صفحات 283 -
282، می‌نویسند:

((هم‌زمان با سقوط رژیم شاه و آغاز حکومت
(امام) خمینی در ایران، یک تجدید حیات اسلامی در
پیمان‌ه وسیع و غیر قابل‌انتظاری آغاز شد که طی
مدت زمان کوتاهی، تأثیرات بسیار مهم سیاسی و
فرهنگی خویش را بر سر تا سر جهان اسلام به نحوی
وارد کرد که هرگز قابل پیش‌بینی نبود.

بدون تردید، این نهضت تجدید حیات اسلامی

چنان با شخصیت (امام) خمینی گره خورد که (امام)

خمینی به عنوان سمبل و مظهر (بیداری اسلامی)) شناخته شدند.

همزمان با طلوع سیاسی (امام) خمینی، دین اسلام به عنوان مهمترین نیروی موجد انگیزه برای رویدادهای سیاسی شد)).

پروفسور دکتر اودو اشتاین باخ

(Steinbach Udo.Dr.Prof)، مدیر انستیتوی

خاورشناسان آلمان (هامبورگ) و یکی از دو مولف کتاب ((اسلام در دوران معاصر))، طی مصاحبه‌ای با

شماره 24 هفته نامه ((دی سایت)) (Zeit Die) مورخ 9 ژوئن 1989 اظهار نمود:

((امام) خمینی همان شخصیتی بود که برای

نخستین بار اصول گرایش به بنیادهای اسلامی را در

شکل یک دولت اسلامی، دولت جمهوری اسلامی

ایران، تحقق بخشید و (امام) خمینی همان شخصیتی

بود که نیروهای اصولگرا را بوسیله یک انقلاب اسلامی

علیه رژیم نیرومند طرفدار غرب، یعنی رژیم شاه،

بسیج کرد)).

کلاوس برینگ (Bering Klaus)، از نویسندگان

برجسته مسائل اسلامی روزنامه ((سالزبورگر نخریشتن))

(Nachrichten Salzburger) در شماره 8 آوریل

1994 در تحلیلی که به مناسبت پیروزی حزب رفاه

اسلامی ترکیه در انتخابات آن زمان شهرداریهای ترکیه

تحت عنوان ((سرمشق) (امام) خمینی اسلام گرایان را

در سرتاسر گیتی به حرکت در آورده است))، نوشت:

((نه تنها کلیه محرومان جوامع اسلامی شنوندگان

پرو و پا قرص مبلغان بازگشت به تعالیم قرآن و

شریعت اسلامی هستند، بلکه بسیاری از عقلا و نخبگان

نیز از بازگشت به ارزشهای اصلی اسلامی جانبداری

می‌کنند و مخالفت با شیوه زندگی نوع غربی را یک راه

رهایی از قیومیت سیاسی و تکنیکی غرب و راه سرنگونی رژیمهای ظالم خویش می‌دانند. آنان به دولت اسلامی که در سال 1979 توسط آیت الله خمینی در ایران مستقر شد، اقتدا می‌کنند، در واقع، گرچه اکثریت سنی‌ها حاکمیت اسلامی نوع شیعی ایران را رد می‌کنند، با این وجود، مساعی (امام) خمینی و جانشینانش که می‌کوشند کشور خویش را به استقلال سیاسی و اقتصادی برسانند، می‌ستایند.

(امام) خمینی از نظر بسیاری از مسلمانان، آخرین شخصیت از سلسله آموزگاران و داعیان بازگشت به خود آگاهی اسلامی در عصر جدید است)).
پروفسور دکتر لودویگ هاگه‌من

(Hagemann Ludwig.Dr.Prof)، استاد کرسی

((الهیات عملی)) در دانشگاه ورتسبورگ آلمان، طی

مقاله‌ای که تحت عنوان ((بین دیانت و سیاست، اصولگرایی اسلامی در حال پیشتازی)) در شماره 21 ژانویه 1992 روزنامه کثیرالانتشار سویسی نویه زوریخر تسایتونگ

(Z Neue Zeitung) نوشته است. از تحلیل

تاریخی روند تکاملی نهضت‌های اسلامی قرن 19 و اوایل سده بیستم، سه اصل احیای تفکر اسلامی را چنین بر می‌شمارد:

1- اسلام باید بار دیگر به صورت وحدت دیانت و سیاست مطرح شود.

2- اسلام باید بار دیگر بدون استثنا کلیه بخش حیات انسانی را در برگیرد.

3- حکومت دینی اسلامی باید بار دیگر عنصر تعیین کننده شکل دولت باشد.

وی سپس تاکید می‌کند که:

((ایجاد نظامی به نام جمهوری اسلامی که توسط

آیت الله خمینی در ایران عملی شد، برای تحقق این آرمان، یگانه مثال برانزده و روشن است.

رهبران انقلاب اسلامی در ایران علی رغم اینکه شیعه هستند و شیعیان صرفاً 15 درصد جمعیت جهانی مسلمانان را تشکیل می دهند، هیچ گاه جای تردید باقی نگذاشته اند که انقلاب آنان نه یک انقلاب شیعی و نه یک انقلاب ایرانی است، بلکه یک انقلاب وحدت بخش امت اسلامی (پان اسلامیستی) می باشد. اصولگرایی اسلامی، اعم از نوع شیعی و سنی آن، به

طور کلی یک حرکت وحدت اسلامی است)). پروفیسور دکتر آندریا مایر (Andrea.r.Prof)

(Meier)، اسلام شناس و متخصص الهیات مسیحی و مولف کتاب جالب ((ماموریت سیاسی اسلام)) (16) در صفحه 299 این کتاب می نویسد:

((با استقرار جمهوری اسلامی ایران که نتیجه انقلاب اسلامی است، ماموریت سیاسی اسلام به نحوی نهادینه شد که تاکنون بی نظیر بوده است. برای نخستین بار، یک نظام سیاسی برخاسته از اسلامگرایی به شیوه انقلابی جایگزین یک رژیم غیر دینی (سکولار) غربگرا شد. این تحول در نگاه بسیاری از مسلمانان، یک پیروزی علیه تفوق طلبی قدرت استعماری و بعد از استعماری بود. غرض از این قدرت برتری طلب غربی، ابر قدرت آمریکا است. از این رو، انقلاب اسلامی در ایران برای مسلمانان سر تا سر جهان، الگویی جهت تحقق کامل ((دولت آرمانی اسلام گرا)) شد.

آرنولد هوتینگر (Hottinger Arnold) سوئیسی

روزنامه نگار و محقق مسائل خاورمیانه، در مقاله ای که تحت عنوان ((اصولگرایی، احیای شریعت به عنوان ابزار قدرت)) در شماره 382 مورخ دسامبر 1987 نشریه داخلی ((جامعه خدمات صلح مسیحی)) که در

برن سو^۲یس منتشر شده است، می نویسد:

((بخش کلی بنیادگرایان اسلامی، همچنین (امام)

خمینی و پیروانش در ایران، در موضع معادله ساده اسلام مساوی قانون شریعت اسلامی، حرکت می کنند و دکتر کریستیان یگگر (J.J Christian.Dr یggi)، معاون پژوهشی انستیتوی علوم دینی دانشگاه فرایبورگ، در کتاب خود تحت عنوان ((بنیادگرایی اسلامی)) چاپ زوریخ در سال 1991 تاکید می کند که این مجموعه قوانین (قوانین شریعت) که تا سده دهم

میلادی از طرف علما گردآوری شد، برای کلیه مسائل حیاتی، دستوراتی روشن و صریح ارائه می کند)).

این خاورشناس معاصر سو^۲یسی بعد از نقل چند جمله ای از آخر فراز (ف) وصیتنامه سیاسی - الهی حضرت امام راحل که وصیت به مسلمانان و مستضعفان جهان است (چون وی متن اصلی وصیتنامه را در اختیار نداشته است، لذا از روزنامه

سو^۲یسی ((تاگس انتسایگر (Anzeiger - Tages)

شماره 1989/8/2 اقتباس نموده است)، می نویسد:

((در اینکه جمهوری اسلامی ایران قدرت آشکار مسلمانان در تقریباً کلیه کشورهای خاورمیانه

می باشد، هیچ کس تردیدی به خود راه نمی دهد، اما

قابل یادآوری است که اصولگرایی اسلامی لااقل

سابقه یک صد ساله دارد که تحولات نوین، نتیجه

جدیدترین روند تاریخی را نشان می دهد، البته تحقق

بیش اسلامی در جامعه به وسیله اصولگرایانی که

پیرامون آیت الله خمینی گرد آمدند، به پیمانہ وسیعی

جلو برده شد. در چهارچوب شناخت اسلامی از دین و

جامعه، جدایی بین نظام الهی و دنیوی و بسیار بیشتر

از آن، جدایی بین بخشهای شخصی و اجتماعی زندگی،

مشخص گردید)).

دکتر آندری گیربر (Andr. Dr. Gerber)، اسلام شناس و عرب شناس (17) که از سال 1991 ریاست یک پروژه تحقیقاتی را در امان اردن به عهده دارد، در کتاب بسیار جالب خود تحت عنوان ((اسلام، زیر بنای مالی و توسعه اقتصادی)) (این کتاب در سلسله متون دانشگاهی برای دانشگاههای اروپایی در سال 1992 منتشر شده است) درباره احیای حیات اسلامی و جغرافیای نفوذ آن می نویسد:

((تجدید حیات اسلامی پدیده‌ای فرا ملی و فرا کشوری است که تعداد زیادی از کشورها با جغرافیای

عربی - اسلامی را بدون توجه به وسعت یا محیطهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان در برگرفته است.

این نهضت صرفاً ((محدود به کشورهای جهان عرب، کشورهای آسیایی و آفریقایی که در ترکیب جمعیتهای خویش دارای اکثریت مسلمانان هستند، نمی‌شود، بلکه کشورهای را نیز در برگرفته است که در آنها مسلمانان در اقلیت می‌باشند، مانند کشورهای هند، چین، فیلیپین و اتحاد شوروی سابق.

فرا تر از آنچه گفته شد، تجدید حیات اسلام پدیده‌ای است که صرفاً ((گروههای ویژه اجتماعی و اقتصادی را در بر نمی‌گیرد، بلکه بیشتر اقشار را تحت نفوذ و تاثیر خود قرار داده است. این در حالی است که گروههای ذیربط این جوامع که اصولاً در پایینترین پله نردبان طبقات اجتماعی قرار دارند - از جمله دوره‌گردهای بی‌خانمان و اهل حرفه پایین شهری که در این طبقه اکثریت دارند - نهضت تجدید حیات اسلامی را صمیمانه تایید می‌کنند)).

امام خمینی و احیای تفکر دینی در سطح جهانی درباره نقش حضرت امام خمینی در احیای تفکر

دینی در سطح جهانی، خاورشناسان و جامعه شناسان غربی علی رغم برخورد های مشحون از کتمان و محافظه کاری معاندانه، اعترافات را دارند که گزیده‌هایی از این اعترافات را نقل می‌کنیم.

پروفسور دکتر کارستن کولپه

(Colpe Carsten.Dr.Prof) که یکی از برجسته‌ترین

خاورشناسان غربی و ایران شناسی نامدار

است، (18) در صفحه 67 کتاب خود به نام ((مشکل

اسلام)) (1989) حضرت امام خمینی (ره) را آغازگر

نهضتی می‌خواند که تاثیر جهانی دارد. وی می‌نویسد:

((انقلاب اسلامی و رهبر آن (امام) خمینی که

بسیاری از مسلمانان مقیم خارج جهان اسلام را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش

قرار داد، بدون

تردید، آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است که

اثرگذاری فرا ملیتی داشته است.))

وی در مقدمه همین کتاب خود، ضمن اعتراف به

احیای تفکر دینی در میان طبقات مختلف اجتماعی

اروپایی و عطش آنان برای شناخت حقایق اسلام و

انقلاب اسلامی، می‌نویسد:

((بعد از پیروزی انقلاب ایران در سال 1979، به

طور کلی اوضاع سیاسی به گونه‌ای شد که از طرف

گروه‌های مختلف، اعم از زن و مرد مسلمان، شاگردان

مدارس، دانشجویان، دست‌اندرکاران آموزشهای

دینی، پلیس، کارمندان، اعضای جوامع مذهبی و

کلیسایی کاتولیکی و پروتستانی و همچنین احزاب

سیاسی، پیوسته تقاضاهایی را در این رابطه (معرفی

جامع و کامل اسلام و انقلاب اسلامی) مطرح

می‌کردند.))

پروفسور دکتر کلاوس کیتسلر (که در فرازهای

قبلی این نوشتار معرفی شده است) در بخش معرفی

کتاب خود تحت عنوان ((بنیادگرایی دینی)) (ص 2) چنین اعتراف می‌کند:

((از مدتها قبل سخن گفتن از بنیادگرایی و ((تمایلات بنیادگرایانه)) و آن هم در کلیه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تشدید شده است. تحولات دراماتیک در ایران که به وسیله انقلاب اسلامی در سالهای دهه 1980 ایجاد شد و به عنوان بازگشت به بنیادهای دینی از مرزهای دین اسلام بسیار فراتر رفت، افکار عمومی جهان را به این پدیده حساس و در خور توجه معطوف کرد)).

وی سپس از شکل‌گیری جدید بنیادگرایی دینی در مسیحیت، یهودیت، آیینهای هندو و بودا و سایر ادیان

بحث می‌کند که همه به شیوه و متابعت از احیای تفکر دینی به وسیله حضرت امام خمینی، بازگشت به اصول

اولیه آیینها و احیای اندیشه دینی خویش را هدف قرار داده‌اند. او در همین رابطه، از نظر تاریخی، اصطلاح ((بنیادگرایی نوین)) را جایگزین ((بنیادگرایی کلاسیک)) می‌کند.

مترجمان زبان آلمانی کتاب ((حکومت اسلامی)) حضرت امام خمینی در مقدمه‌ای بر آن می‌نویسند: (19)

((درست در ژانویه 1977، هنگامی که در شهر مقدس قم نخستین گلوله شلیک شد و در اندک زمانی بعد از آن، تبریز با تظاهرات نیرومند خویش رژیم شاه را به مبارزه طلبید، برای دستیابی به کتاب حکومت اسلامی، کتابی که سند کلیدی انقلاب اسلامی شد، علاقمندی بوجود آمده بود. با سقوط رژیم شاه در فوریه 1979 که تا آن زمان بدون توجه به تشنجات اجتماعی و سیاسی موجود در کشور، به عنوان ((جزیره ثبات)) خوانده می‌شد و با استقرار نظام جمهوری

اسلامی در ایران، علاقمندی برای دستیابی به اثر آیت
الله خمینی در سر تا سر جهان افزایش یافت.
دکتر پیتـــر شول (Latour - Scholl Peter)،
روزنامه‌نگار و کارشناسان جهان اسلام که چندین اثر
تالیف کرده است، در کتاب ((شمشیر اسلام، انقلاب به
نام الله)) که در سال 1990 منتشر شده
است، (20) می‌نویسد:

((پیام (امام) خمینی به میخائیل گورباچف این بود
که کمونیزم از نظر معنوی و مادی شکست خورده و
اکنون زمان آن فرا رسیده است که اتحاد شوروی،
نجات خود را در اسلام جست و جو کند. این در واقع،
یک دعوت ظریف سور‌سالستی برای بازگشت به سوی
خدا بود)).

شول - لاتور سپس مفسران غربی را در مورد اشتباه سنگینی که در مورد ارزیابی انقلاب اسلامی به
رهبری حضرت (امام) خمینی (ره) مرتکب شده‌اند،
سرزنش می‌کند و می‌نویسد:

((اینجا سخن از یک پدیده جهانگیر است. (حضرت)
محمد (ص)، پیامبر اسلام نیز از ماموریت آفاقی
خویش آگاه بود. در آن زمان به عنوان شخصیتی که
هنوز ناشناخته بود و صرفاً رهبری تعدادی از قبایل
بدوی را به عهده داشت، پیامهایی را به ابرقدرتهای
معاصر خود فرستاد. بر مبنای روایات، فرستادگان
پیامبر اسلام نزد قیصر بیزانس، شاهنشاه ساسانی در
ایران و سالار قبطی‌ها در اسکندریه آمدند تا از آنان
دعوت کنند به آیین جدید وحی و اراده خداوند تسلیم
شوند. این دعوت، گرچه در آن زمان پذیرفته نشد،
ولی هر سه نظام دولتی که مورد خطاب دعوت
بودند، مدتی بعد مجبور شدند مغلوب تهاجم بزرگ
اسلامی شوند.

بیداری اسلامی یک مساله محدود محلی نیست. از

طریق اسرا^۱یل، آمریکایی‌ها نیز به طور غیر مستقیم اثر
این بیداری را احساس کرده‌اند. اتحاد شوروی در
جمهوریهای جنوبی خود که به سوی اعتقادات قرآنی
بازگشته‌اند، شاهد یک دگرگونی می‌باشد. اروپا از
مدتها پیش از داعیه حاکمیت بر کل دریای مدیترانه
دست کشیده و بین شمال مدیترانه و سواحل جنوبی
آن یک شکاف بزرگ پدید آمده است)).

نویسندگان و محققان کتاب ((نیروهای ارتشی در
خاورمیانه شمال آفریقا)) (این کتاب در فرازهای قبلی
این نوشتار معرفی شده است) در صفحه 285
می‌نویسند:

((تجدید حیات اسلامی در دهه 1970، در عین حال
که مهمترین مبنای موفقیت (امام) خمینی بود، به

همان سان زمینه ظهور و طلوع سیاسی ((بنیادگرایی نوین)) نیز شد. اسلام با مبدل شدن
به اید^۲ولوژی

سیاسی این توانایی را بازیافت که یک خود آگاهی
جدید را در ملتها احیا کند)).

دکتر ژیل کیپل (Kepel Gilles.Dr)، جامعه
شناس فرانسوی و استاد کرسی مطالعات عربی در
مرکز پژوهشهای بین‌المللی پاریس، طی سخنرانی خود
در کنفرانس ((اروپای ادیان))، در اکتبر 1994 در وین،
تایید کرد: تفکر دینی در فرانسه، بویژه در بین
مسلمانان، احیا شده و ((جوانان مسلمان که در اروپا
متولد شده‌اند، نیروهای فعال نوینی را به صورت
هسته‌هایی بوجود آورده‌اند که بین اراده برای ماندن و
تبعیض در نوسانند)).

وی به طور ضمنی اثرگذاری نقش امام خمینی را
در احیای تفکر دینی در مسلمانان اروپایی تایید
می‌کند و می‌نویسد: مسلمانان اروپایی به خاطر
ماجرای سلمان رشدی و حجاب اسلامی، یک حرکت

اخلاقی و اجتماعی را آغاز کرده‌اند)).

کاردینال دکتر فرانتس کونینگ

(K Franz.Dr Kardinal)، اسقف اعظم

سابق وین که از چهره‌های بسیار برجسته جهان مسیحیت است نیز در کنفرانس ((اروپای ادیان)) ادامه خدمت به احیای تفکر دینی را که روند جهانگیر پیدا کرده است، در گرو مبارزه جدی با تفکرات ضد دینی از جمله انکار وجود خدا و الحاد دانست و گفت: ((امروزه مهمترین وظیفه گفت و گو بین پیروان ادیان توحیدی این است که یک جبهه مشترک را جهت مبارزه علیه بروز فرقه سازیها و آنانی که به خداوند یکتا ایمان ندارند و دشمنان هر دینی هستند، ایجادکنند))
دکتر گوتفرد شایبر (Gottfried.Dr)
Scheiber.W. معاون انستیتوی اصول الهیات

مسیحی و مولف کتابها و نوشتارهای تحقیقاتی، فیلسوف و خاورشناس اتریشی،

در کتاب خود تحت

عنوان ((پاسخ صریح)) (21)(1984) می‌نویسد:

((مبحث اصولگرایی اسلامی صرفاً برای دانشمندان

تاریخ و علوم سیاسی نکات بسیار زیادی را ارزانی

نکرده است، بلکه برای یک علاقمند علوم دینی که از

نگاه علم کلام ادیان، وارد بحث می‌شود نیز نکات

زیادی را عرضه می‌کند)).

وی در جایی دیگر از کتاب خود می‌نویسد:

((آنچه ناظران امروزی اوضاع در ایران را کاملاً

شگفت زده می‌کند، وفاداری بلاقید و شرطی است که

ملت در قبال آیت الله ابراز می‌نماید. البته این

واقعیت بدون یک استدلال و برهان کلامی برای چنین

حاکمیتی قابل توجیه نیست. جالب است گفته شود که

در این نقطه، بنیادگرایی یا به اعتبار مفهوم متعارف

کنونی، بنیادگرایی نیست؛ زیرا در عرف امروزی،

بنیادگرایی معنی پذیرش بی‌چون و چرای ساختار
فکری ناسازگار با زمان را می‌دهد، در حالی که (امام)
خمینی انتقال یک الگوی فکری موجود را با عنایت به
اوضاع زمان و سنجش با معیارهای کلامی اسلام
انجام داده است)).

این بود نمونه‌هایی از اقوال و اعترافات
خاورشناسان، جامعه‌شناسان و ارباب تفکر غربی در
مورد نقش حضرت امام خمینی در احیای تفکر دینی
در جهان اسلام و سطح جهانی که علی‌رغم وجود خط
انحرافی نیرومند، اروپا محوری، اشتباهات فنی با
زمینه‌های تاریخی، کمبود اطلاعات دقیق و واقعی از
اسلام، انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی، مورد
دستیابی قرار گرفتند. حقیر و ثوق کامل دارد که هرگاه
یک استراتژی دقیق و فراگیر و مطابق نیازهای علمی
موسسات تحقیقی و شخصیت‌های دانش‌پژوه جهان،

اعم از غرب و شرق، در مورد معرفی مجدد اسلام، اهل بیت (ع) و انقلاب اسلامی و
بویژه شخصیت و آثار

جاودانی حضرت امام خمینی طرح و اجرا گردد، روند
برخورد خاورشناسان و سایر نخبگان علمی و فرهنگی
جهان بهبود کیفی و کمی قابل توجهی خواهد یافت.

زیرنویسها:

1- مرحوم دکتر کلیم صدیقی، رئیس موسسه

مطالعات اسلامی مسلم در لندن، در سخنرانی که در
هفتمین کنفرانس اسلامی در تهران ایراد کرد، یک
لیست ده ماده‌ای از خلاقیت‌های اسلامی ملت ایران که
خدمت به احیای تفکر دینی و عمل به آن است ذکر
نمود که احیای فرهنگ، تمدن، نظام سیاسی و ایجاد
نهادهای جدید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلامی
و بالاخره رهاسازی انرژی جدید در جنبش جهانی

اسلام از آن جمله است. (به شماره 165 بهمن ماه
1368 کیهان هوایی مراجعه شود).

**2- L Reinhard.Dr.Prof.und Islam :W
Verlag Bernhard ,Europa in Christentum,
1994, Hilesheim.**

3- کتاب شمشیر سبز در این رابطه ترکیه را در
کنار سایر کشورهای اسلامی جالب می‌داند و
می‌نویسد: در ترکیه به صورت کلی، روند رو به رشد
بازگشت به اسلام نشان می‌دهد که بر پایه ارقام
دولتی در سال 1990، 155403 دانشجویی در 4715
مدرسه دینی مشغول تحصیل بودند و این در حالی
است که در سال 1974، تعداد دانشجویان و نیز
مدارس دینی صرفاً در حدود نصف این رقم بود. طی
سالهای 1979 تا 1987، تیراژ قرآنهاي چاپی از 31075
نسخه به حدود یک میلیون نسخه بالغ شد.

gr Das Islam Weltmacht;Schwert ne -

,Kuchert1992, M ,Verlag Heyne Erl oder Bedrohung .nchen خ Beate.Hg ?sung

4- این واقعیت در سمینار ((دینامیسم حیات دینی
در اروپای شرقی)) که تحت عنوان ((سمینار دانشگاهی
وین 93)) از طرف چند دانشگاه و انستیتوی آلمان و
اتریش از 21 تا 23 ژانویه 1993 در کاخ اتحادیه صنایع
اتریش برگزار شده بود و نگارنده نیز در آن سهم بود،
از طرف دانشمندان و خاورشناسان نیز با اراّه آمار و
مدارک تحقیقی تایید شد.

**5- Trans ; Lacapelle Lin - Jean
Atlantik 2/1989**

6- لطفاً به نمودار شماره (1) آماری کل
مسلمانان مراجعه شود.

7- نمودار آماری شماره (2) ضمیمه

**8- Hrsg) Ingelhart Ronald.):
der in Wertwandel Umbruch Kultureller**

New, Frankfurt, Welt westlichen
York, 1989

9- به جدول آماری گرایشهای اعتقادی بر پایه تفاوت سنی در غرب و شرق اروپا و آمریکای شمالی که در ضمیمه قرار دارد، مراجعه فرمایید.
10- این اصطلاح را برای نخستین بار، پاپ ژان پل دوم، رهبر مسیحیان کاتولیک جهان، در تاریخ 24 ژوئن 1989 و در جریان سفر خود به اتریش مطرح کرد و آن را به عنوان نهضت نوینی خواند که برای کل قاره اروپا و مسیحیان جهان یک ضرورت احیای تفکر دینی و اصلاحات اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. پس از آن، در سال 1993 کاتیکسیم جدید جهانی (رساله احکام مسیحیان) را در شرح 10 فرمان معروف در 676 صفحه در بردارنده 2865 مساله، منتشر ساخت. این اقدام پاپ که پس از 426 سال در تاریخ کلیسای

کاتولیک انجام شد، بازنویسی تعالیم اخلاقی و اعتقادی کاتولیکی با در نظر گرفتن تحولات جدید

جهانی معنی می‌دهد. پاپ برای این اقدام خود، از 25000 پیشنهاد که از طرف 1000 اسقف و کنفرانسهای اسقف طی چند سال مطرح شده بود، استفاده کرد.

11- Der: Kienzler Klaus. Dr. Prof

religi Verlag, Fundamentalismus se

, Beck. H. C 1996, M. nchen.

12- fascination La : Rodinson Maxim

L de Paris, Islam, 1980

13- ((پان اسلام)) عنوانی بود که مطبوعات غربی در اواخر قرن 19 به نهضتهای اسلامی آن زمان دادند و به جای درک صحیح اتحاد اسلامی و نهضتهای آن، این اصطلاح را گاهی موازی و زمانی متضاد با ملی‌گرایی‌های موجود در جهان بکار گرفتند. در حالی

که احیاگران اسلامی همیشه از وحدت امت اسلامی سخن گفته‌اند. عین این روش، در زمان ما نیز در مورد نهضت‌های نوین اسلامی از طرف رسانه‌های غربی بکار گرفته می‌شود که احیای تفکر دینی و رویکرد به ارزشها و اعتقادات اسلامی را بکارگیری اصطلاحات نادرست اسلامیسم (اسلامگرایی)، افراد رادیکالیسم (افراطی گرایی)، فاندمنتالیسم (بنیادگرایی)، فناتیسم (تعصب گرایی)، انتگرالیسم (اصولگرایی) به اصطلاح بیان می‌کنند، متأسفانه اغلب این اصطلاحات را برای اهداف منفی از قبیل تروریسم، عقب افتادگی، جهود، تحجر و تعصب سستی بکار می‌برند.

14- Atem Der :Lewis Bernard .Dr.Prof

Westen der.u Welt islamische Die ,Allahs
M - Wien ,Verlag Europa nchen, 1994.

وی که استاد کرسی تاریخ خاور نزدیک و آسیای

میانه در دانشگاه پرینستون آمریکاست، قبل از مهاجرت خود به آمریکا، مدت 25 سال در دانشگاه

لندن نیز همین موضوع را تدریس می‌کرد. وی از

مولفان و ناشران اثر معروف **History Cambridge**

Islam of و دایرالمعارف اسلام (**Encyclopedia**

Isam of) است.

15- **Streitkrfte Die ی des staaten der**

Reihe Nordafrika und Osten Nahen -

Wien ,Verlag Herold ;Heere Fremde,

1995

16- **Der :Meier Andera .Dr .Prof**

peter Islam des Auftrag politische
Wuppertal ,Verlag Hammer, 1994

17- **Andr .Dr ی G یIslam :rber,**

und Infrastruktur finanzielle
Entwicklung wittschaftliche:

(Europäische Hochschulschriften)

Lang : Peter Verlag, 1992

18- Problem : Colpe Carsten .Dr .Prof

Athen ; Islam , Verlag um 1989, M/Frankf

وی که آثار متعدد و مهمی درباره معرفت شناسی
دین، اساطیر ایرانی و اسلام نوشته است، در
دانشگاههای آمریکایی ییل، نیوهاون و شیکاگو و نیز در
فرهنگستان انگلیس (بریتیش آکادمی لندن) تدریس
کرده است.

19- Der : Chomeini Ajatollah

Verlag Klaus Schwarz , Staat islamische,

1983, Materialien Islamkundliche , Berlin

Band 9

20- Das : Latour - Scholl Peter .Dr

Verlag Heyne Islam des Schwert, 1990,

21- M : Scheiber .W Gottfried .Dr .nchen

Fundamentalistische Antworten Eindeutige
Gesellschaft und Religion in Versuchung,

Kulturverlag, 1989. Österreichischer